

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دارکوب

مجموعه اشعار به زبان فارسی و شهمیرزادی

عبدالله فاسمی شهمیرزادی



۱۳۹۵

سرشناسه	قاسمی شه میرزادی، عبدالله، ۱۳۳۴-
عنوان و نام پدیدآور	دارکوب: مجموعه اشعار به زبان فارسی و شه میرزادی / عبدالله قاسمی شه میرزادی
مشخصات نشر	تهران: راستی نو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۲۴۲ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۲۶۴۶-۶۸-۵:
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry -- 20th century
موضوع	شعر شه میرزادی
موضوع	Shahmirzadi poetry
رده بندی کنگره	۱۳۹۵/۲۱۵۲۱۶۵الف/۸۳۵۷PIR
رده بندی دیویی	۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۷۱۴۷۵:



شناسنامه

دارکوب / مجموعه اشعار به زبان فارسی و شه میرزادی

عبدالله قاسمی شه میرزادی

ناشر: راستی نو

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۴۶-۶۸-۵

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

تایپ و علامت گذاری: تهمینه دوست محمدی - مرضیه نربان

صفحه آرای: محمد تقی رهبری فرد

طرح روی جلد: حامد مداح (پرنیان)

چاپ و صحافی: ماه منظر، سعید عسگر

قیمت: پانزده هزار تومان

کلیه حقوق متعلق به مؤلف است

شماره تماس: ۰۹۱۲۵۳۱۸۰۹۳

فهرست

۱.....	مقدمه آقای علی رضا غفاری
۲.....	پیش گفتار
۶.....	مختصری در شرح حال سراینده و آثارش
۸.....	راهنمای استفاده از کتاب
۹.....	بشر باید سلامت پیشه سازد
۱۰.....	علم و معلم
۱۲.....	زمین با آسمان بحث و جدل کرد
۱۴.....	در وصف علم و معلم
۱۷.....	غلام بن کسی ه... که علمش با سخا بخشید
۱۹.....	به یاد پیشک و نان ته... و تربیت شه میرزاد
۲۲.....	خاطرات دوره ی... سن... در همدان
۲۴.....	تأمین مدرّس کرمانشاد
۲۶.....	به چشمی با بصیرت بین شمع
۲۷.....	رنگ‌های گل رمز هستی است
۲۹.....	بشر آموخت رفتارش ز حیوان
۳۰.....	سرگذشت رودابه و زال مادر و پدر رستم
۳۳.....	به یاد مادر بهتر ز جانم
۳۵.....	هر که دل شاد نماید به جهان مسرور است
۳۶.....	به چشم دل خدا دیدند و رفتند
۳۶.....	در وصف مادر
۳۷.....	کاروان علم را باید که دل رهبر شود
۳۸.....	تقدیم به استاد فرحی
۳۹.....	باید که دین خود به وطن را ادا کنیم
۴۰.....	غوغای گل و بلبل از عشق سخن دارد
۴۱.....	چرا غدیر خُم از خُلف وعده‌اش نفُسرَد
۴۲.....	یارب سپاس این همه از آن عنایت
۴۵.....	دردم همه حسرت جوانی است
۴۶.....	روح با جسم کمال است نه در تنهایی
۴۸.....	شعر خیرمقدم
۴۹.....	به نام خداوند یاری رسان

۵۱	دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
۵۴	به نام الله تنها یاور بی پناهان
۵۷	سروده‌ی نماز برای اجرای سرود
۵۸	دوبیتی (چهار پاره) در وصف شه میرزاد
۶۰	از نسب نامه
۶۱	از نسب نامه
۶۲	چون حق رسیدی خنده کن، دل را مُصفاً کن ز کین
۶۵	مثت ره رستگاری خلق
۶۶	سفسفای انتظار
۷۰	م‌های مناسبتی
۷۱	تذییبی از عزرا خطا
۷۳	وصفی دکت سید ذبح الله صفا
۷۷	سوگ سروده‌ای
۷۸	فقدان عالمان به تناس سوگ عالم است
۷۹	کامل خداست، هر چه بود در بر آیت است
۸۲	گیریم دست ناتوان که همان جبر است
۸۳	در سوگ دوست و شاعر ارجمند سرور سید پهلوان
۸۴	در سوگ مرحوم محمود قاسمی
۸۶	در سوگ مرحوم میر اسماعیل میری
۸۸	والا ترین گهر به جهان مهر مادر است
۹۰	در بزرگداشت چهلمین سال درگذشت دکتر مهر علی افلاکی
۹۱	بهار سید مصطفی خزان شد
۹۳	مرثیه‌ای در سوگ مرحومه صدیقه (هما) دهقان
۹۵	دردانه‌ی حیات همانا که مادر است
۹۷	احمدی سیرت تو سیرت احمد بوده
۹۸	فرزند پاک نسل حسن مجتبی برفت
۱۰۰	در سوگ جوان سفر کرده مرحومه منصوره علائی شه میرزادی
۱۰۱	شعر چهار فصل برای کودکان
۱۱۰	گویش شه میرزادی
۱۱۱	همه می‌دانید که زبان شه میرزادی جان من است
۱۱۴	مصدق‌های ضرب‌المثل
۱۱۹	مصدق‌های ضرب‌المثل فارسی

۱۲۰	مثل
۱۲۱	ماه نومه
۱۲۸	ایرانی تو بدان بر همه سر هستی
۱۲۹	ای شه میرزادی! شه میرزاد شما آرزوی ماست
۱۳۱	توصیف چهار فصل شه میرزاد
۱۳۴	نمونه‌ای از کنایات شه میرزادی
۱۳۸	شه میرزاد که باشم برایم کافی است
۱۴۰	غزلی در عشق به وطن شه میرزاد
۱۴۲	یادآوری سنت‌های گذشته در شه میرزاد
۱۴۷	شعر چهار بیه سرری
۱۴۸	سیزده به د
۱۵۰	غروب و شب دوازده آبان
۱۵۱	سنت‌های چهار بیه سولی و سیزده به در
۱۵۲	نمونه‌ای از ابیات برآمده از نوروز خوانی گذشته
۱۵۴	نوروز خوانی به گویش شه میرزادی
۱۵۶	لالایی
۱۵۸	سروده‌ای جهت اجرا در مراسم حنا باندان
۱۶۱	قصیده‌ی طنز آمیز
۱۶۴	چاووشی
۱۶۶	کمترین حق علی حلال، حروم پشناسینه
۱۶۸	قصیده‌ای در وصف متکا و متکا چینی
۱۷۰	خاطره‌ای از نوجوانی و ستایش از پدر پرهیزگار
۱۷۲	به نام خدا اول معلم
۱۷۴	واژه نامه
۱۷۶	نصاب شه میرزادی
۱۸۷	ببینیم کوزه‌ی شه میرزاد چقدر شکر دارد
۱۹۲	نمونه‌هایی از نام‌های زیبای زنان شه میرزادی در قدیم
۱۹۳	در نکوهش قطع درختان کهنسال گردو در سال ۱۳۴۹-۵۰ در شه میرزاد
۱۹۶	سفرنامه‌ای به گویش شه میرزادی
۲۰۸	منظومه‌ی تاریخی شیرآقا و چهره‌های ماندگار
۲۲۳	توصیف چهره‌های ماندگار
۲۳۴	فرهنگ لغت

مقدمه آقای علی رضا غفاری

«دارکوب» عنوان مجموعه‌ای است از جناب آقای عبدالله قاسمی شه‌میرزادی از چهره‌های فرهنگی شه‌میرزاد که بیش از سه دهه فعالیت فرهنگی و پژوهشی را در کارنامه‌ی زندگی بر بار خود دارد.

آشنایی نزدیک با جناب قاسمی به بهانه‌ی انتشار کتاب نسب شناسی خاندان‌های شه‌میرزادی، رخ داد، در چند دهه آ‌زهی خدمات ایشان را از قبل شنیده بودم. دارکوب شامل اشعاری در مضامین مختلف و به گونه‌های مختلف شعری است و برابر پیش‌نوشته‌ی نویسنده، یادگار احساسات علمی شده‌ی شاعر، به بهانه‌های مختلف است که امیدوارم خوانندگان و به ویژه شه‌میرزادی‌های عزیز از بخش اشعار فولکلوریک آن بهره‌مند شوند.

علی رضا غفاری
ردیبه‌شت ۱۳۹۵

پیش گفتار

به نام آن که طبعی را روان کرد
سخن با وزن خوش آرام جان کرد

سال‌ها بود که سیر قلم در نوشتن موضوعات گوناگون، فراز و نشیب و پیچ و خم‌های پیش را تجربه می‌نمود تا شاید سرانجام به نتیجه‌ای مطلوب منجر شود که خیر و صلاح جامعه در افزایش آگاهی مردم و نوشتن مطالب در موضوعاتی باشد که به رشد و تعالی فرهنگی و اجتماعی آنان بینجامد.

از نوشتن فرهنگ جامع ثبات متشابه در سال ۱۳۶۹ که استقبال خرید یازده هزار جلدی آن را تا سال ۱۳۷۲ در سه نوبت چاپ در پی داشت و شه میرزاد شناسی که صرفاً به قصد راهنمایی گردشگران نوشته شده بود و منظومه‌ی تاریخی شیر آقا و چهره‌های ماندگار که تاریخ فشرده‌ی منظوم شه میرزا و مراجعه به حافظه‌ی تاریخی برای مرور درباره شخصیت‌های برجسته‌ی سر به تراب نهاد و نگاران مؤثر بود و فیلم مستند آرمون که در سال ۱۳۷۵ استقبال بی‌نظیر شه میرزادی‌های متیم، مهاجر را با سفرنامه‌ی منظوم و گام نهاده در هر مکان و مراسم سنتی، صورت عینی به سید و اذعان ده‌ها بار دیدن آن و التذاذ از نحوه‌ی بیان سفر نامه و تجدید خاطرات و آگاهی بخشی از تاریخ و فرهنگ شه میرزاد از زبان بسیاری از مردم حق شناس، تداوم فعالیت فرهنگی را با دل گرمی و پشت گرمی موجب گردید و سرانجام تحقق چاپ اثر متعالی «نسب شناسی خاندان‌های شه میرزادی» با ثبت یکصد هزار جمعیت، با همه‌ی کاستی‌های احتمالی در جایگاه شایسته‌ی موضوع مردم شناسی، استقبال خرید هفتاد و پنج درصدی کتاب را در یک سال در شرایط غربت کتاب، به رکوردی کم سابقه ارائه نمود و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ و گویش را بر آن داشت که نتیجه‌ی بی‌سی سال از عمر پژوهشی خویش را در شرایط خلأ آثار فرهنگی به دلیل ابتلای شه میرزاد به بلایای ناخواسته با کاوش اذهان سالخوردگان، با

همه‌ی بضاعت اندک مادی و صرفاً با استفاده از امکانات موجود، به گونه‌ای دیگر عرضه نماید و تیز پا و تیزرو صعود به قلّه‌ی آگاهی یابی و آگاهی بخشی را با اثر دیگر پیش رو به منصّه‌ی ظهور برساند.

آری به مصداق سخن گهر بار «زکاة العلم نشرها» بر خود فرض دانستم که آنچه را از تراوشات ذهن، بر رشح‌های قلم، بایسته و شایسته است، با سخنی منظوم که اگر بتوان جسارت شعر بر آن اطلاق نمود به مردم فهیم و مشوقان عرصه‌ی فرهنگ تقدیم نمایم. اثر حاضر سنتال بر اکثر قالب‌های شعری و درون‌مایه‌ی اجتماعی و گاه طنز و موضوعات متوع و سخن از هر در و دریچه‌ای است با نام «دارکوب» که همان دارتوکزن خودمان پرنده‌ی زیبا و نستوه و مقاوم که به قصد دل آسایی و روشننگری به جویندگان ماجراهای تاریخی و فرهنگی و اجتماعی عرضه می‌گردد تا اگر ناگهان پیک اجل خواست که دیر زود شود، در با ما آمده‌ی آن، مرا هم در زمره‌ی مستحقان دعا شمارند و گاه در خلوت و زمانی به افشا و جلوت از این فرسوده جان نیز یادی بنمایند. اغلب چنین است که به قول اقبال لاهوری:

جو رخت خویش بر بستم از این خاک
ما گفت: ما آشنا بود
و لیکن کس ندانست این مسافر
چه گفت: ما با که گفت و از کجا بود
اما بنده به جهت واقع بینی بر این باورم و تاکنون نیز چنین تجربه کردم که مردمی که همه‌ی آثار این حقیر را با اشتیاق خریداری و از آن بهره‌مند شدند، هرگز در سبک و ممات، وی را تنها نمی‌گذارند و پیوسته وجود او را مغتنم می‌شمارند که خوشا به حال کسی که در میان چنین مردم با مرا می‌زندگی می‌کند که شایسته‌ی همه گونه احترام و امتنانند.

بگذریم که مقدمات طولانی، اصل تعریف و تشریح نام‌گذاری کتاب حاضر را تحت‌الشعاع قرار داد پس تا قلم مسیر خویش را به عرصه‌ای دیگر نکشاند به دلیل یا وجه تسمیه‌ی این اثر بپردازم:

مثنوی آغاز کتاب که به نقل ویژگی پرنده‌ی دارکوب از زبان تمثیل می‌پردازد، گویای

آن است که سراینده با انتخاب این نام برای این منظومه که پیام رسان معضلات اجتماعی است، خواست که شعر خویش را با روش پرندۀ دارکوب در شکافتن درخت و رفع آفت آن، همانند سازی نماید تا با بیان این تشابه، هدف خویش را از نام گذاری کتاب ابراز دارد؛ زیرا اثرش نه از نظر شکل ترکیبی و به هم پیوستگی واژه ها همانند آثار شعری دیگران است که تخیل بر واقعیت غلبه داشته باشد و نه درون مایه‌ی آن به گونه‌ای است که کسی چیزی از آن در نیابد؛ بلکه روانی و سلاست و بدیهه گوئی و پیام اجتماعی آن، چنان است که همه کس را به کار آید و همگان به هر میزان از سواد از آن دریافت کافی و وافی خواهند داشت. پرندۀ ریای دارکوب که مرشد شعر هدف گیر اجتماع آلوده به برخی ناهنجاری هاست، اراده‌ی بی و با نوک تیز، تنه‌ی درختان سخت پوست را به منظور دفع آفت و فساد و آلودگی هدف قرار می‌دهد؛ بنابراین سختی اصلاح جامعه نباید شاعر متعهد را از تداوم مبارزه با فساد به قصد اصلاح جامعه بازدارد؛ همان گونه که دارکوب از تداوم کوبش خود، خسته نمی‌شود و در شکافتن تنه‌ی درخت و برداشتن آفت آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌نماید.

پس اگر شاعری به صرف ارضای دل خویش از دایع خرد سخنی مخیل بر زبان آورد و یا به رشته‌ی نظم در آورد و یا خویشتن را مرضی ستایش دستان بشمارد و به تعبیری فقط در رؤیاهایش به اجتماع تلنگر زند و کسی مفهوم سخنی را دریابد چه جایگاهی می‌تواند در تحول فکری جامعه و اصلاح آن داشته باشد؟

شاعر آن است که دردی و دواپی دارد

شاعر آن نیست که رنگی و ریایی دارد

سرخس سنگ کند آب، ره آگاهی

گوشه‌ی ذهن بشر جا و فضایی دارد

این کتاب شامل دو بخش به زبان فارسی و گویش شه‌میرزادی است که از قالب‌های مثنوی، غزل، قصیده، ترکیب بند، ترکیب بند مسقطی، چهار پاره، مسقط تضمینی،

قصیده‌ی چند قافیه‌ای، شعر ترکیبی و بحر طویل و به ندرت نیمایی و... استفاده شده است و در بخش پیام‌های مناسبتی از دو بیتی و رباعی و مثنوی مقطع. موضوعات آن گوناگون است و از هر دری سخنی گفته شده است حتی مرثیه و شعر چهار فصل برای کودکان. در اشعار شه میرزادی نیز کم و بیش از همین قالب‌ها در موضوعات و مضامین ادبیات عامیانه استفاده شده است که مطالعه‌ی آن خالی از لطف نیست.

نقد و بررسی آن از جهات گوناگون پس از انتشار و مطالعه‌ی دقیق، خواسته‌ی به حقّی است که مؤلف، سراینده بر آن تأکید دارد؛ زیرا هنوز پس از انتشار چندین اثر در طول بیست و پنج سال و روحیه‌ی جمع‌گرایی پژوهشگر که پیوسته اجماع را بر فرد گرایی ترجیح می‌دهد، هیچ نتایج مفصلی بر آثارش صورت نگرفته است.

در پایان ضمن پرزش از تدبیر خوانندگان به جهت اطلاع‌ی کلام، از همه‌ی دست‌اندرکاران چاپ اثر به - صورت موفّقان، حتی اعضای خانواده‌ام که شاید این شیوه‌ی پژوهشگری طولانی دشواری‌هایی برای آنان ایجاد کرده باشد، سپاسگزارم. از نوشتن شرح حال خود که به صورت کامل در کتاب سبب‌شناسی آمده است، معذورم و به مختصری در صفحه‌ی جداگانه اکتفا خواهم نمود.

از خداوند بزرگ می‌خواهم که همچنان روحیه و توان پژوهشگری را در وجودم مضاعف گرداند که به مردم خدمت نمایم.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش زده اند شما گامی چند

عبدالله قاسمی شه میرزادی

اردیبهشت ۱۳۹۵